عکس: جام جم

گفت‌وگو با دبیر ستاد ملی صبر که می‌گوید بیشترین حجم از پرونده‌های موجود در دستگاه قضا مربوط به توهین، ناسزا و درگیری است

گر صبر کنی...

مریم خباز

جامعه

نمی‌دانم اگر نظرسنجی کنیم و آمار بگیریم چند نفر از مردم، ستاد ملی صبر را می‌شناسند یا لااقل این نام به گوششان خورده. شاید تعدادشان کم باشد همان مردم کوچه و بازار که اتفاقا خیلی‌هایشان کاسه صبرشان زود لبریز می‌شود و بعید نیست روزی کارشان به ستاد ملی صبر بکشد.

این ستاد، نونهال است و هنوز دوسالش نشده ولی ایجاد شده تا صبوری، صلح، بخشش و رضایت را میان مردم رواج دهد و این خصلت‌ها را به فرهنگ عمومی تبدیل کند. تا به حال ستاد در این راه چقدر موفق بوده و احتمال موفقیتش در آینده چقدر است، موضوع گفت‌وگوی ما با محمدرضا خوشرو، دبیر ستاد ملی صبر است که اذعان دارد هر ایرانی باید یک همیار صبر شود تا ستاد نیز به ایده‌آلش نزدیک شود.

می‌دانید ستاد ملی صبر چقدر ناشناخته است؟

ستاد ملی صبر عمر چندانی ندارد، بنابراین طبیعی است اگر چندان میان افکار عمومی شناخته شده نباشد. با این حال در کمتر از دو سالی که فعالیت می‌کنیم در حد بضاعت تشکیلاتی‌مان در راستای فرهنگسازی برای صلح، رضایت و بخشایش تلاش کرده‌ایم. البته ارتباط عمده ما با سازمان‌های مردم‌نهاد تخصصی و برنامه‌های مختلف تلویزیونی است، پس اگر مردم ما را زیاد نمی‌شناسند اشکالی ندارد و بابتش غصه نمی‌خوریم. با این حال دلمان می‌خواهد روزی برسد که صلح همه‌جانبه و بخشایش فراگیر نه‌تنها در ایران که در سطح بین‌المللی شکل بگیرد.

اعضای ستاد ملی صبر این ستاد را جدی می‌گیرند؟ این را می‌پرسم چون یکی از مهم‌ترین ستادهای کشور که ستاد ملی زن و خانواده است سالی یک بار هم تشکیل جلسه نمی‌دهد.

اگر منظور از جدی گرفتن، قوه قضاییه است باید بگویم که بله قطعا جدی می‌گیرد. ستاد صبر در سطح ملی تشکیل می‌شود، حتی همایش ملی صبر را با حضور مسؤولان عالیرتبه سه قوه برگزار کردیم، همچنین همایش‌های استانی صبر داشتیم و این تشکیلات درهمه استان‌ها فعال است و این موج همچنان ادامه خواهد داشت.

این طور که شما می‌گویید ستاد ملی صبر میان مسؤولان شناخته شده است در حالی که یک ستاد وقتی می‌تواند در جامعه تغییر ایجاد کند و اثرگذار باشد که مردم آن را بشناسند. شواهد نشان می‌دهد مردم عادی چیزی از ستاد ملی صبر نمی‌دانند.

ما هم دلمان می‌خواهد همه مردم را درگیر کنیم ولی فعالان این عرصه کنشگران خاصی هستند مثل سازمان‌های مردم‌نهاد که درحوزه صلح و سازش فعالیت می‌کنند. البته ما قصد نداریم خود ستاد را به مردم بشناسانیم بلکه هدفمان این است مفاهیمی را که ذیل این ستاد می‌گنجد برای مردم جا بیندازیم و میانشان تبلیغ و ترویج کنیم.

منظور من هم همین است که صلح، بخشش و رضایت باید به فرهنگ عمومی تبدیل شود.

بله، هدف ما هم همین است و به دنبال این هستیم تا هر ایرانی به یک همیار صبر تبدیل شود و ضمن این‌که صبر را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد و نسبت به ایجاد صلح و سازش میان مردم احساس وظیفه می‌کند و خودش نیز اهل بخشیدن باشد.

برای این‌که به این چشم‌انداز برسید چه برنامه‌ای دارید؟

برنامه ما اقدامات تبلیغی و ترویجی از طریق پویش‌های مختلف است مثل کمپین من صبورم، پویش بخشایش حسینی و صبر زینبی یا بخشایش رضوی و نبوی که در مناسبت‌های مختلف شروع به ترویج آن از طرق مختلف می‌کنیم.

این تلاش‌ها نتیجه ملموسی هم داشته؟

بله امسال در همایش صبر استان گلستان با حضور خادمان آستان قدس رضوی بیش از ۴۰ صاحب حق اعلام رضایت کردند از جمله خانمی که قربانی اسیدپاشی بود و بیش از یک میلیارد تومان دیه طلب داشت. این خانم، اسیدپاش را بخشید و خیلی هم راضی بود.

شما با بخشیده شدن یک اسیدپاش موافقید؟ فکر نمی‌کنید ستاد ملی صبر و نهادهای این چنینی دارند در ایجاد بخشایش و گرفتن رضایت افراط می‌کنند؟

هرجرم سنگینی یک جنبه شخصی دارد و یک جنبه عمومی. اگر صاحب حق، فرد مجرم را ببخشد حاکمیت از جنبه عمومی جرم نمی‌گذرد و اعمال قانون می‌کند. در مورد این اسیدپاش هم او باید حداقل چهار سال در زندان بماند.

آیا چند سال حبس در ازای این که جان مجرمان بخشیده می‌شود و از مرگ نجات پیدا می‌کنند مجازات قابل اعتنایی است؟

به هرحال صاحب حق می‌تواند ببخشد، حق نبخشیدن هم دارد.

در سایت ستاد ملی صبر توصیه شده «در عین حال که حق و حقوقمان را می‌دانیم ببخشیم، گذشت کنیم و بگذریم». این طور به نظر می‌رسد که این جمله دارد جانب فرد ظالم را می‌گیرد و از مظلوم می‌خواهد از حق و حقوقش چشم‌پوشی کند و به نظرم این وجه منفی حوزه کاری شماست.

نه این‌گونه نیست. من در همایش صبر استان ایلام تاکید کردم که چه کسی را ببخشیم نیز مهم است و تلاش برای گرفتن رضایت نباید هر پرونده‌ای را شامل شود. مثلا در مورد قاتلی که چند نفر را کشته و قربانیان را مثله کرده یا کسی که دست به همسرکشی و فرزندکشی زده، تاکید ستاد این است که برای ایجاد صلح و گرفتن رضایت یا جمع‌آوری دیه ممنوعیت ورود وجود دارد.

ولی در جامعه بعضا چنین حمایت‌هایی رخ می‌دهد.

متاسفانه بله، مخصوصا از سوی برخی افراد مشهور که فرآیند شناسایی افراد مستحق کمک را به درستی طی نمی‌کنند. مثلا پسری در کانون اصلاح و تربیت بود که افرادی به دنبال جمع کردن دیه برای او بودند در حالی که بعد از بررسی‌های ما از طریق یکی از سمن‌ها معلوم شد این پسر گوشی آیفون دارد، لات است و سبک زندگی اشرافی دارد. امسال تماسی نیز در مورد یک زن زندانی با ما گرفته شد که با تلاش یکی از چهره‌ها قرار بود به عنوان یک زندانی بدهکار و نیازمند معرفی شود و مردم کمکش کنند. وقتی ما پرونده او را از طریق دادگستری پیگیری کردیم متوجه شدیم این زن کلاهبرداری حرفه‌ای با حدود ۳۰ شاکی خصوصی است.

خوشرو:

ماموریت ما به عنوان زیرمجموعه فرهنگ عمومی درقوه قضاییه این است که فرهنگ حقوقی و قضایی مردم را ارتقا دهیم؛ یعنی کاری کنیم تا یاد بگیرند نه کلاه سر خودشان برود و مورد ظلم واقع شوند ونه خواسته یا ناخواسته حق کسی را پایمال کنند که منجر به اقامه دعوی شود

یعنی می‌گویید برخی هنرمندان گول می‌خورند و بیراهه می‌روند؟

بله، اینها احساساتی می‌شوند و در حالی که می‌خواهند مسؤولیت اجتماعی خود را انجام دهند گاهی به بیراهه می‌روند. البته ما از میان چهره‌ها و هنرمندان، سفیران صبر انتخاب کرده‌ایم که به ما بسیار کمک می‌کنند ولی موضع کلی ما در قبال چهره‌ها، هنرمندان و ورزشکاران این است که راه کمک به نیازمندان اعلام شماره حساب شخصی و منتشر کردن قصه همه آدم‌ها- بدون غربالگری- نیست.

در نزدیک به دو سالی که ستاد فعالیت می‌کند چه تعداد رهایی از قصاص و آزادی از زندان داشته‌اید؟

باید بگویم این موضوعات چندان قابلیت آمار ندارد، چون در حوزه صلح و سازش متغیرهای متعددی وجود دارد و خیلی‌ها در آن دخیل هستند؛ از سمن‌ها گرفته تا خانواده قاتلان، امامان جماعت، ریش‌سفیدها، چهره‌ها، بزرگان فامیل و شوراهای حل اختلاف. ایجاد صلح و سازش میان مردم اقدامی خوب و حتما ضروری برای جامعه است، ولی به نظر می‌رسد به موازات این کارها باید پیشگیری از وقوع جرم نیز پیشرفت کند چون در غیر این صورت از یک طرف جرم حادث می‌شود و از سوی دیگر جماعتی باید وقت و انرژی بگذارند تا صلح و آشتی برقرار شود.

در بخش پیشگیری از وقوع جرم چه می‌کنید؟

پیشگیری از وقوع جرم ابعاد مختلفی دارد که بخش فرهنگسازی برای پیشگیری بر عهده ماست. در واقع ماموریت ما به عنوان زیرمجموعه فرهنگ عمومی قوه قضاییه این است که فرهنگ حقوقی و قضایی مردم را ارتقا دهیم؛ یعنی کاری کنیم تا یاد بگیرند نه کلاه سر خودشان برود و مورد ظلم واقع شوند ونه خواسته یا ناخواسته حق کسی را پایمال کنند که منجر به اقامه دعوی شود. بی شک ارتقای این فرهنگ منجر به کاهش وقوع جرم و در نتیجه باعث کاهش ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی، رفع اطاله دادرسی و فشار روانی است که هم بر مردم و هم بر قضات وارد می‌شود و گاهی به بروز خطا در جریان دادرسی‌ها منجر می‌شود و در ادامه به تشکیل پرونده و دادرسی و اطاله دادرسی و فرسودگی اعصاب و روان و فشار به قاضی و دستگاه قضایی و خطاهایی در جریان دادرسی اتفاق می‌افتد.

به نظر شما مردم ما در مقایسه با گذشته عصبانی‌تر و کم‌صبرتر شده‌اند؟

از نظر آمار و فراوانی پرونده‌ها بله، چون افزایش تعداد پرونده‌های مرتبط با خشونت و تاب‌آوری این موضوع را تایید می‌کند. اکنون بیشترین حجم از پرونده‌هایی که در دستگاه قضا تشکیل می‌شود مربوط به توهین و ناسزا و درگیری است ولی نمی‌دانیم آیا این آمار نسبت به رشد جمعیت بیشتر شده یا نه و آیا تعداد آدم‌های عصبانی جامعه نسبت به گذشته بیشتر شده یا خیر. به هر حال الان شرایط کشور خاص است و مردم دارند فشارهای اقتصادی زیادی را تحمل می‌کنند، لذا میزان صبر و تحمل باید بیشتر از قبل باشد.

از فشار اقتصادی حرف زدید. لطفا چند تکنیک عملی به ما یاد بدهید که به کمک آنها در این شرایط سخت، صبور باشیم.

البته میزان صبر آدم‌ها به رویدادی که با آن مواجه شده‌اند بستگی دارد ولی به طور کلی در سیره اهل بیت(ع) و احادیث روش‌های مختلفی برای کنترل خشم وجود دارد؛ از جمله این‌که بنشینیم، سکوت کنیم، آب بخوریم، از موقعیت ناراحت‌کننده دور شویم، مکث کنیم یا صلوات بفرستیم. از منظر روان‌شناسی فردی و اجتماعی نیز پیشنهادهایی شده که از این راهکارها دور نیست. در کنار اینها دوره‌های تخصصی تاب‌آوری و کارگاه‌های کنترل خشم نیز برگزار می‌شود که تکنیک‌های خوبی را به افراد آموزش می‌دهد.

بخشش آرامش بخش

درشهرها و روستاهای مختلف، درفرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های گوناگون، میان قبایل وعشیره‌های رنگ به رنگ، آدم‌هایی مثل یک کدخدای بختیاری وجود دارند که همه توان‌شان را برای برقراری صلح و سازش میان مردم به کار می‌گیرند و از قضا وارد پرونده‌های قتل و احکام قصاص می‌شوند. گفته می‌شود میان برخی قبایل و عشیره‌ها مرسوم است که اگر خونی از یک طرف ریخته شود تا خون طرف مقابل ریخته نشود دل‌ها آرام نمی‌گیرد. در این فضا کدخدایی بختیاری که تا به حال ۲۳ پرونده قصاص را به رضایت ختم کرده وارد کار می‌شود، طنابی به دور بدنش می‌پیچد و آن را به بدن قاتل گره می‌زند و آن وقت روانه خانه مقتول می‌شود تا از اولیای دم رضایت بگیرد. این طناب ضامن جان قاتل است چون اگر او تنها به خانه مقتول برود زنده برگشتن‌اش را هیچ کسی تضمین نمی‌کند.

از این کدخداها، از این ریش‌سفیدها و از این بزرگ‌ترها در ایران کم نیست، سفیران صلح و سازشی که می‌دانند هر جرمی مجازاتی دارد و هر خون ریختنی، قصاصی ولی همچنان برای ایجاد آشتی تلاش می‌کنند با این که گاهی کتک می‌خورند و مجروح می‌شوند و حرف‌های سرد و سنگینی می‌شنوند.

این سفرای صلح و رضایت و بخشش کار سختی دارند و با نفوذ کلام و اعتبارشان میان مردم برای نجات جان‌ها می‌کوشند، به استناد این گفته خداوند در قرآن که قصاص حق است اما اگر مردم ببخشند بهتر است.

به گواه فعالان حوزه صلح و سازش، اولیای دمی که از قصاص می‌گذرند و رأفت به خرج می‌دهند نسبت به کسانی که قاتل را قصاص می‌کنند آرامش بیشتری دارند با این که هر دو عزیزی از دست داده و هر دو گمان می‌کرده‌اند اگر قاتل قصاص شود به آرامش خواهند رسید. سفیران صلح و بخشش روایت می‌کنند بسیاری از خانواده‌ها که قصاص را بر بخشش ترجیح داده‌اند بعد از سلب حیات قاتل، نه تنها آرام نشده‌اند که گرفتار عذاب وجدان نیز شده‌اند، موضوعی که برای همه ما درس است وقتی داریم فکر انتقام را در ذهن‌مان پر و بال می‌دهیم.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#سرویس-ادارات

پارسامهر از تهران:

بهتر است دولت محترم برقراری سرویس اداره‌ها را دوباره به جریان بیندازد، چرا که با این کار علاوه بر کاهش ترافیک، کاهش آلودگی هوا و کاهش مصرف سوخت نیز اتفاق می‌افتد.

#مسؤولان-دارایی

جمعی از شهروندان:

آیا مسؤولانی که اعلام کردند باید حساب و دارایی مردم مورد بررسی قرار گیرد، حاضرند اطلاعات حساب و دارایی خود را به مردم اعلام کنند؟

#رمز-یک بار مصرف

خانجانی از کرج:

تکلیف افرادی که گوشی‌های مدل پایین دارند و نمی‌توانند از رمز دوم یک بار مصرف که اخیرا اجباری شده، استفاده کنند چیست؟ چرا بانک مرکزی قبل از وضع این قوانین فکری به حال این مشکلات نمی‌کند؟

#بازنشسته-یارانه

رئیسی از شیراز:

اینجانب بازنشسته فرهنگی هستم با حداقل حقوق که یارانه و سبد معیشتی دریافت نمی‌کنم و وقتی اعتراض می‌کنیم، می‌گویند خانه داری. آیا داشتن یک خانه که از امکانات اولیه زندگی است، دلیلی بر رفاه و سرمایه‌دار بودن ماست؟

#بنزین-گرانی

خیری از لاهیجان:

مگر می‌شود بنزین گران شود ولی کالاهای دیگر گران نشود؟ کرایه‌ها، میوه و صیفی‌جات خیلی زود گران شد و باید منتظر گرانی بقیه کالاها باشیم.

#افزایش-بنزین

یک شهروند:

بهتر بود بنزین سالانه و با روندی آرام گران می‌شد تا این مشکلات اقتصادی، گرانی و... پیش نمی‌آمد.

#عائله-حمایت

قنبری از ساری:

چرا به خانواده‌هایی که بیش از سه فرزند دارند، سبد معیشتی تعلق نگرفت؟ این افراد هزینه‌های بالاتری نسبت به بقیه شهروندان دارند و نیازمندتر هستند.

#آلودگی-هوا

باقیان از تهران:

امیدوارم آلودگی هوای امسال که حادتر از سال گذشته است، تجربه‌ای برای دولت شود تا اقدامات اساسی برای مبارزه با آن صورت دهد.

#افزایش-کرایه

هروی از تهران:

بعضی از مسافربران شخصی و گردشی بدون مجوز به بهانه گرانی بنزین کرایه‌ها را گران کردند. مسؤولان رسیدگی کنند.